

ارایه مدل پیشنهادی سنجش طبقه اجتماعی در ایران (مورد مطالعه: سرپرستان خانوار شهر اصفهان)

احمد مؤذنی (استادیار جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
dr.ahmad.moazzeni@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر برخی جامعه‌شناسان؛ مانند پیربوردیو سعی کرده‌اند ارتباط انواع سرمایه را با طبقه اجتماعی مورد توجه قرار دهند. مطالعات انجام‌گرفته در ایران نیز نشان می‌دهند که هیچ کدام از این پژوهش‌ها در سنجش طبقه اجتماعی (طبقه-منزلت) ترکیب انواع سرمایه‌ها را در نظر نگرفته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها نیز با اهداف پژوهشی دیگر صورت گرفته و صرفاً به ارتباط انواع سرمایه‌ها با یک‌دیگر و یا با طبقه اجتماعی پرداخته‌اند. بر این اساس، نوشتار حاضر با هدف طرح ارایه یک مدل جدید، سنجش مفهوم طبقه اجتماعی (طبقه-منزلت) را با ترکیب سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار داده و با استفاده از روش پیمایش و نمونه‌گیری خوشه‌ای چند-مرحله‌ای، تعداد ۳۳۴ پرسش‌نامه محقق‌ساخته در بین سرپرستان خانوار مناطق شهر اصفهان، توزیع و جمع‌آوری شد. درنهایت، نوعی رتبه‌بندی در پنج طبقه اجتماعی کلی شامل طبقه بسیار پایین، طبقه پایین، طبقه متوسط، طبقه بالا و طبقه بسیار بالا ارایه شد. مبنای عمده این رتبه‌بندی علاوه بر تأکید بر نقش سرمایه اقتصادی و اجتماعی، نقش تعیین‌کننده و تمایز بخش سرمایه فرهنگی و تفاوت بارز آن بین طبقات اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: طبقه - منزلت، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر جامعه‌شناسان سعی کرده‌اند که در سنجش و تعریف مفهوم طبقه اجتماعی از رویکرد تک‌بعدی فاصله گرفته و علاوه بر شاخص سرمایه اقتصادی به عنوان یکی از اصلی‌ترین عنصر و مؤلفه اصلی سنجش طبقه اجتماعی، بر مؤلفه‌های دیگر ساختار نظام طبقاتی نیز تأکید کنند.

بر این اساس، مفهوم سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به عنوان دو نمود اساسی اجتماع و فرهنگ باید در کنار سرمایه اقتصادی مورد تأکید قرار گیرند. طبقه اجتماعی یا در اصطلاح مفهوم پایگاه اقتصادی-اجتماعی مرسوم، در بیشتر پژوهش‌های داخلی به شکل سستی آن؛ یعنی با استفاده از سه مؤلفه اصلی شغل، تحصیلات و درآمد سنجیده شده است. در میان سه مؤلفه سازنده طبقه اجتماعی همان‌گونه که در کل نوشتار خواهیم دید، عنصر سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های برجسته در موقعیت متمایزی قرار دارد. به زبان پیربورديو، اگر ترجیح‌های فرهنگی را به عنوان ویژگی‌های ساختمان ذهنی و زمینه در نظر بگیریم. بنابراین، «ترجیح‌های فرهنگی گروه‌های گوناگون جامعه (به‌ویژه طبقات و جناح‌های درون آن‌ها) به خاطر عوامل ثابت ساختاری به‌ویژه ساختمان ذهنی و زمینه، نظام‌های منسجمی را می‌سازند» (ریترز، ۱۳۸۶، ص. ۷۲۶). بر این اساس، سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از متغیرهای تعیین‌کننده طبقه اجتماعی که توسط بورديو وارد این حوزه شده، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیوند با مباحثی مانند هویت‌های اجتماعی، شکل‌های اجتماعی، مصرف، ذائقه و طبقه به عنوان یک تشکل هویتی سیال و نه ثابت دارد. جنبه دیگر، توجه به مسأله فرهنگ و ترجیح‌های فرهنگی و ارتباط و تعامل آن با مفهوم طبقه اجتماعی، تفاوت‌های عمده و چشم‌گیر طبقات اجتماعی از لحاظ برخورداری از میزان سرمایه فرهنگی و نگرش‌هایی است که بر اساس آن، سرمایه فرهنگی به عنوان کالایی منحصربه‌فرد در میان این طبقات بازتولید شده و تداوم می‌یابد.

یکی دیگر از چالش‌های دیگر سنجش طبقه-منزلت، تعیین و رتبه‌بندی منزلت شغلی افراد است که در این پژوهش سعی شد از دستاوردهای یکی از پژوهش‌ها (چاوشیان و ستوده، ۱۳۸۵) که با استفاده از رویکرد فازی نوعی رتبه‌بندی بومی از مشاغل را انجام داده‌اند، با اعمال و ایجاد تغییراتی در محاسبه رتبه‌بندی مشاغل توسط پژوهش، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، مطالعات اخیر صورت‌گرفته در خارج از کشور، به عنوان نمونه ساوج و همکاران^۱ (۲۰۱۳) بیش‌تر بر این مسأله تأکید دارند که سنجش‌های قدیمی طبقات اجتماعی، بدون توجه به فرهنگ و سرمایه فرهنگی، کم‌مایه و سطحی بوده و پژوهش حاضر نیز دخالت عامل فرهنگ را به عنوان یکی از شاخص‌های

1 Savage. Devine. Cunningham. Taylor. Li. Jellbrekke. Le Roux & Friedman.

مهم سنجش طبقه مورد تأکید قرار داده که متون و پژوهش‌های داخلی تا کنون به آن توجه نکرده و اگر هم به مفهوم فرهنگ و سرمایه فرهنگی نیز توجه کرده‌اند، بیش‌تر تأکید آن‌ها بر ارتباط دو سرمایه فرهنگی و اجتماعی با سرمایه اقتصادی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم سنجش طبقه-منزلت بوده است. بر این اساس، پژوهش سعی کرده الگویی جدید برای سنجش طبقه اجتماعی، سنجشی واقع‌بینانه و دقیق‌تر از مفهوم طبقه-منزلت اجتماعی برای جامعه ایران با تأکید بر عنصر فرهنگ (سرمایه فرهنگی) و اجتماع (سرمایه اجتماعی) در کنار بعد ثابت و سنتی سنجش طبقه؛ یعنی سرمایه اقتصادی ارایه کرده که برای اهداف دانشگاهی و غیردانشگاهی، طرح گسترش نظری و عملیاتی و کاربردی این مفاهیم ضروری به نظر می‌رسند. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش براساس چند سؤال عمده سازمان یافته است. آیا انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باهم می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های پیشنهادی سنجش طبقه در ایران مطرح شوند؟ مکانیسم‌های حاکم بر روابط بین این سرمایه‌ها چگونه بوده و الگوی پیشنهادی این طبقه‌بندی چیست؟

۲. مبانی نظری تحقیق

به منظور ورود به بحث نظری، به برخی مطالعات انجام‌شده اشاره می‌شود که به مفهوم طبقه اجتماعی و ارتباط آن با انواع سرمایه‌ها اشاره کرده‌اند که به طور خلاصه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. پژوهش‌هایی مانند مطالعه علی بابایی و باینگانی (۱۳۸۸) در مورد بررسی میزان تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر سرمایه فرهنگی، مطالعه عادل ابراهیمی لویه با تأکید بر ارتباط نابرابری اجتماعی با سرمایه فرهنگی (هر چه طبقه اجتماعی بالاتر باشد، افراد نیز از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند) (به نقل از علیخواه، ۱۳۸۹). پژوهش اباذری و چاوشیان (۱۳۸۱) با عنوان «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی» با تأکید بر این که مفهوم سبک زندگی امروزه مناسب‌تر از مفهوم طبقه است، از جمله پژوهش‌های داخلی است که بر رابطه طبقه و انواع سرمایه به‌خصوص سرمایه فرهنگی اشاره کرده‌اند؛ اما در پژوهش‌های خارجی به عنوان نمونه، ساوج و همکاران (۲۰۱۳)، ضمن انتقاد از مدل‌های قبلی سنجش طبقه در بریتانیا، دست به طبقه‌بندی جدیدی زده و هفت طبقه جدید را با اعمال سه نوع

سرمایه؛ یعنی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ و با استناد به کار پیربورديو در طبقه‌بندی جدید خود اعمال کرده‌اند. با توجه به این‌که نوشتار حاضر تا حدودی از الگوی این مقاله الگو گرفته، به طور مختصر به نتایج آن پژوهش اشاره می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱- خلاصه طبقات اجتماعی در بریتانیا

مأخذ: ساوج و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۲۳۰

توصیف	طبقه
<ul style="list-style-type: none"> دارای سرمایه اقتصادی بسیار بالا به‌خصوص پس‌انداز سرمایه اجتماعی بالا سرمایه فرهنگی بسیار بسیار بالا یا متعالی^۳ 	سرآمدان ^۲
<ul style="list-style-type: none"> سرمایه اقتصادی بالا دارای ارتباطات اجتماعی بالاتر از میانگین دارای سرمایه فرهنگی بسیار بالا و نوظهور 	طبقه متوسط جدید ریشه دار ^۴
<ul style="list-style-type: none"> سرمایه اقتصادی بالا ارتباطات اجتماعی بسیار بالاتر از میانگین؛ اما از لحاظ تعداد، نسبتاً محدود گزارش شده سرمایه فرهنگی در حد مناسب و معتدل 	طبقه متوسط فنی ^۵
<ul style="list-style-type: none"> سرمایه اقتصادی مناسب و میانه دارای تماس‌های اجتماعی نسبتاً ضعیف‌تر از نمره میانگین، اگرچه به نسبت بالاست سرمایه فرهنگی متعالی میانه؛ اما دارای سرمایه فرهنگی نوظهور 	کارگران مرفه جدید ^۶
<ul style="list-style-type: none"> سرمایه اقتصادی تا حدی ضعیف؛ اما با خانه‌داری ارزش قابل قبول ارتباطات اجتماعی کم سرمایه فرهنگی متعالی و نوظهور در حد پایین 	طبقه کارگر سنتی ^۷
<ul style="list-style-type: none"> سرمایه اقتصادی تا حدی ناچیز؛ اما با خانه‌داری ارزش قابل قبول ارتباطات اجتماعی میانه سرمایه فرهنگی نوظهور در حد بالا؛ اما دارای سرمایه فرهنگی متعالی پایین 	کارگران خدماتی نوظهور ^۸
<ul style="list-style-type: none"> سرمایه اقتصادی ناچیز و فقیرانه پایین‌ترین نمره در همه شاخص‌ها 	مشاغل پرخطر ^۹

1 Social, Cultural & Economic Capital

2 Elites

3 very high highbrow cultural capital

4 Established middle class

5 Technical middle class

6 New affluent workers

7 Traditional working class

8 Emergent service workers

9 Precariat

طبقه اجتماعی و تبیین‌های نظری آن

اصطلاح طبقه، به وجود سلسله‌مراتب اجتماعی اشاره دارد؛ ولی در معنایی محدودتر و البته، به‌عنوان یکی از نمودهای عمده قشربندی اجتماعی به کار می‌رود. این مفهوم ریشه در نظریات دو تن از پیشگامان اندیشه جامعه‌شناسی؛ یعنی کارل مارکس و ماکس وبر دارد و به‌عنوان مفهومی کلیدی در ادبیات جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی مارکسیستی و نظریه‌های قشربندی اجتماعی مطرح است. جهت شناخت مفهوم طبقه اجتماعی؛ پرداختن به مفاهیم هم‌پیوند با طبقه؛ یعنی نابرابری اجتماعی، ضروری است.

نابرابری اجتماعی و رویکردهای آن

دو رویکرد اساسی در تبیین نابرابری‌های اجتماعی وجود دارد: رویکرد قشربندی اجتماعی و رویکرد ارتباطی (مقدس و سروش، ۱۳۹۰، ص. ۴۳). رویکرد قشربندی اجتماعی براساس تبیین موضوع تحرک اجتماعی و سنجش پایگاه شکل‌گرفته و رویکرد ارتباطی نیز به گسستگی پیوندهای اجتماعی در تبیین نابرابری اجتماعی اشاره دارد. رویکرد اول در بحث تحرک اجتماعی، طبقه اجتماعی را با موقعیت اجتماعی فرد در سلسله‌مراتب پایگاهی برابر می‌داند و شاخص‌های معروف درآمد یا ثروت، دستاوردهای تحصیلی یا موقعیت شغلی را برای سنجش طبقه به کار می‌گیرد. در رویکرد دوم نیز طبقه اجتماعی شامل افرادی است که دسترسی مشابهی به ابزار تولید دارند. شاخص‌های سنجش نو مارکسی و نو وبری موقعیت اقتصادی-اجتماعی با تأکید بر روابط اجتماعی بین این گروه‌ها، در این حوزه مطرح می‌شوند. مارکس و ماکس وبر از صاحب‌نظران کلاسیک در حوزه مفهوم نابرابری اجتماعی و به‌طور خاص، طبقه اجتماعی هستند.

رویکردهای ذهنی و عینی در سنجش طبقه اجتماعی

ازجمله تقسیم‌بندی‌هایی که در تعریف و سنجش طبقه به کار رفته، رویکرد ذهنی و عینی است. عواملی مانند شغل و درآمد و تحصیلات و غیره، از جمله شاخص‌های سنجش عینی طبقه به شمار می‌روند (قاسمی، وحیدا و ذاکری، ۱۳۸۹). معروف‌ترین نمونه بارز رویکرد عینی

در تعریف و سنجش و معرفی طبقه دیدگاه مارکس و انگلس^۱ است. نظام اقتصادی به عنوان وجود و هویتی مستقل، از نظر آن‌ها می‌تواند جایگاه و موقعیت طبقاتی فرد را مشخص کند. بخشی از این تفکر؛ یعنی بستگی شناخت انسان با جایگاه و موقعیت او در بحث جامعه‌شناسی شناخت و معرفت مورد بحث قرار می‌گیرد. از سویی، رویکردهای ذهنی سنجش طبقه، کمتر مورد توجه قرار گرفته و برخلاف رویکرد عینی که قدیمی‌تر و کاربردی‌تر نیز بوده، مبحثی جدید و پرچالش در سنجش طبقه اجتماعی بوده است و به طور کلی، بر ویژگی‌های ذهنی، نگرشی و روانی اعضای طبقه اجتماعی تأکید دارد؛ به عبارت دیگر، می‌توان بخشی از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و به طور کلی، نظام‌های نمادین افراد را وابسته به موقعیت و جایگاه اجتماعی و طبقاتی آن‌ها دانست. این تعریف می‌تواند به عنوان یکی از پایه‌های بازنگری در تعریف طبقه باشد که طبقه، هویتی ذهنی داشته و در برداشته‌های امروزی در قالب گروه‌های هویتی و منزلتی در همین نوشتار مورد توجه و بحث قرار گرفته است. به طور خلاصه، از یک منظر، توجه به سرمایه اجتماعی و به خصوص، سرمایه فرهنگی و ارتباط آن با طبقه اجتماعی فرد، توجه به رویکرد ذهنی در کنار رویکرد عینی است.

تحلیل‌های اخیر در بازشناسی مفهوم طبقه

جهت جلوگیری از طولانی شدن مطالب از طرح نظریات مارکس و ماکس وبر خودداری کرده و به تبیین‌های جدیدتر از مفهوم طبقه خواهیم پرداخت. مطالعات چند دهه گذشته و به خصوص، مطالعات اخیر نشان داده که ماهیت مفهوم طبقه و قشربندی اجتماعی، بسیار پیچیده است و سنجش آن نیز ماهیتی ویژه و جدید یافته است. این ماهیت جدید در حال شکل‌گیری، بر مبنای چند مفهوم اساسی قرار دارد. کاربرد اصطلاحاتی؛ مانند سرمایه‌داری بدون طبقه^۲، چندپاره‌شدن طبقات در جوامع امروزی و تأکید بر مفاهیم جای‌گزین طبقه؛ یعنی تشکلهای هویتی و نیز شکل‌گیری مفاهیم مصرف، مصرف‌نمایشی و جامعه مصرفی و سبک زندگی، عناصری هستند که مفهوم سنتی طبقه را زیر سؤال برده‌اند. *الریش بک* تا آن‌جا پیش رفته که مفهوم سرمایه‌داری بدون

1 Marx & Engels

2 Capitalism without class

طبقه را به کار برده و مقوله‌هایی؛ مانند طبقه، خانواده و محله را مقوله‌های مرده می‌داند (مقدس و سروش، ۱۳۹۰). پژوهش حاضر نیز در جهت سنجش و تحلیل طبقه و پایگاه اقتصادی اجتماعی (طبقه- منزلت) افراد بر چند نکته عمده تأکید کرده است:

۱) سنجش‌های سنتی و مرسوم طبقه اجتماعی با شرایط جوامع فعلی سازگاری نداشته و سنجشی دور از واقعیت است.

۲) دخالت و اثرگذاری عنصر فرهنگ و سرمایه فرهنگی نیز که با بسیاری از مفاهیم مصرف، فراغت و سبک زندگی در ارتباط است، عنصری قطعی و اساسی جهت سنجش طبقه اجتماعی است.

۳) با در نظر گرفتن ترکیب دو بعد عینی و ذهنی، در کنار سرمایه فرهنگی، دو سرمایه اقتصادی و اجتماعی نیز باید در سنجش و اندازه‌گیری طبقه اجتماعی دخالت داده شوند. بر این اساس، به نظر می‌رسد که عنصر مشترک و مفهوم اساسی در شناخت این هویت‌ها، مفهوم سرمایه فرهنگی باشد که توسط پیربوردیو ابداع و به شکل گسترده‌ای در رابطه با سبک زندگی، ذائقه و الگوهای مصرف جامعه، مورد توجه قرار گرفته و عنصری تمایزبخش در سنجش منزلت اجتماعی افراد به شمار می‌رود.

بنابراین، بر اساس مباحث مطرح شده، اگر طبقه اجتماعی را نوعی گروه‌بندی در نظر بگیریم، و بر این اساس، شاخص اصلی سنجش این شکل‌بندی‌ها را نیز هویت اجتماعی بدانیم، در جهت تبیین هویت و ارتباط آن با طبقه اجتماعی دو رویکرد عمده را می‌توان در نظر گرفت. اباذری و چاوشیان (۱۳۸۱) این دو رویکرد را که در واقع، از علل و عوامل تعیین‌کننده هویت در جامعه مدرن هستند، در دو دسته کلی قرار می‌دهند. رویکرد اول که قدیمی‌تر بوده {رویکرد مارکسی و نومارکسی تبیین طبقه} که جایگاه افراد در فعالیت‌های تولیدی جامعه را مبنای هویت قرار می‌دهد و رویکرد دوم که جدیدتر بوده و مبنای هویت اجتماعی افراد را در رفتارهای مصرفی آن‌ها جست‌وجو می‌کند. بر این اساس، رویکرد اول بر مفهوم طبقه اجتماعی و رویکرد دوم در مفهوم سبک زندگی قالب‌بندی می‌شوند. برداشت‌های مختلفی نیز از مفهوم سبک زندگی در دو دوره زمانی صورت گرفته است. رویکرد دهه ۱۹۲۰ که در آن سبک

زندگی به معنی ثروت و موقعیت اجتماعی و شاخصی برای سنجش طبقه به کار رفته و دوم، تبیین‌های اخیرتر که سبک زندگی را هم به معنای طبقه اجتماعی و هم با شکل‌گیری فرهنگ مصرف‌گرایی در نظر گرفته است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نظریه‌پردازان جدید در چارچوب تحلیل‌های خود، نقشی محوری برای حوزه فرهنگ و مصرف به جای اقتصاد و تولید در نظر گرفته‌اند. آن‌ها طبقه اجتماعی را از یک شکل‌بندی خاص فرهنگی جدا کرده و فرهنگ را که بیشتر از طریق مصرف واسطه‌گری می‌شود، در شکل‌گیری هویت‌ها بسیار مؤثر می‌دانند (مقدس و سروش، ۱۳۹۰). در این معنا هویت را می‌توان تا حدی هم‌پوش و هم‌معنا با مفاهیم عادات‌واره و میدان موردنظر بوردیو در نظر گرفت.

طبقه اجتماعی و انواع سرمایه

در طرح مفهومی و سنجش طبقه اجتماعی در این پژوهش، بر کار ارزشمند پیر بوردیو تأکید شده که سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مطرح کرده است. بوردیو از جمله نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی است که در رابطه با طبقه و قشربندی اجتماعی تحلیل‌هایی جدید و کارا ارائه داده است. او طبقه اجتماعی را در رابطه با میزان برخورداری افراد از انواع سرمایه مورد بررسی قرار داده و به‌نوعی، نظریه او در این باب تکمیل‌کننده و دربردارنده نظریات پیشین است. باید توجه داشت که هدف پژوهش صرفاً طرح تکراری انواع سرمایه از نظر بوردیو نیست؛ بلکه تأکید بر این نکته است که با ایجاد پیوندی نظری می‌توان در کنار سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی را نیز به عنوان شاخص‌های سنجش طبقه اجتماعی در نظر گرفت؛ به عبارت دیگر، طرح انواع سرمایه مورد نظر بوردیو خواسته یا ناخواسته در رابطه با نابرابری و مفهوم طبقه اجتماعی طرح شده است. بوردیو مفهوم طبقه را در ارتباط با فضای اجتماعی، عادت‌واره، میدان یا عرصه و نیز بر مبنای حجم، ترکیب و توزیع انواع سرمایه، مورد بررسی قرار داده است.

مفهوم سرمایه و انواع آن

تعریف سرمایه در دیدگاه بوردیو، مترادف با بحث بهره‌مندی، طبقه و مسئله نابرابری اجتماعی است. «از یک جنبه بوردیو سرمایه را به کار انباشته تعریف می‌کند و از این نظر تا

حدودی به سنت مارکسیستی وفادار است. برداشت عام بوردیو از تحلیل‌های مارکسیستی در بحث مالکیت، تقابل و تضاد نهفته است؛ چراکه از نظر وی، سرمایه می‌تواند به عنوان مالکیت ثروت‌های مادی یا مالی، عنصر مهمی در ترتیب اجتماعی و در روابط به خاطر تقابل بالقوه فقرا و ثروتمندان به شمار آید» (شویره و فونتین، ۱۳۸۵، ص. ۹۶). با این حال، درک بوردیو از سرمایه، وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. «در نظر او سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکلی پولی و غیرپولی و همچنین، ملموس و غیرملموس به خود گیرد. بنابراین، به نظر بوردیو، سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن، به دست آورد» (روحانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳). به عبارت دیگر، از نظر بوردیو، سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌شود، مؤثر واقع می‌شود. «به نظر وی، سرمایه اساساً به سه صورت اقتصادی (دارایی، مالی و مادی) سرمایه فرهنگی (کالا، مهارت‌ها و عناوین نمادین کم‌یاب) و سرمایه اجتماعی (منافعی که صرف عضویت در گروه به خود تعلق می‌گیرد، وجود دارد) (استونز، ۱۳۸۵، ص. ۳۳۵). در کنار این سه نوع سرمایه، بوردیو از نوع دیگر سرمایه؛ یعنی سرمایه نمادین نام می‌برد که برخی معتقدند نمی‌توان آن را به عنوان نوعی سرمایه مستقل در نظر گرفت؛ به عبارت دیگر، سرمایه نمادین را باید با توجه به نزدیک‌بودن آن به همان نشانه‌های سرمایه فرهنگی، جزو سرمایه فرهنگی به شمار آورد. از نظر بوردیو، سرمایه نمادین، مجموعه ابزارهای نمادین، پرستیژ، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت‌دادن، تعریف‌کردن و ارزش‌گذاشتن است (فکوهی، ۱۳۸۱). راب استونز (۱۳۸۵) معتقد است که از نظر بوردیو افراد زیاد متوجه تأثیرات سرمایه نمادین نیستند و آن را به همان‌گونه که هست درک نمی‌کنند. به عنوان نمونه، صفات اخلاقی که به افرادی از طبقه بالای جامعه به دلیل صرف وقت و پول برای امور خیریه نسبت داده می‌شود، همان سرمایه نمادین است. از سوی دیگر، می‌توان طبق گفته‌های بوردیو سرمایه نمادین را ویژه

طبقات بالای جامعه دانست. بر این اساس، طبقات بالای جامعه با استفاده از آن سرمایه، اقدام به ارزش گذاری فرهنگ والا (متعالی) خودشان در مقابل فرهنگ مبتذل طبقات پایین می کنند. سه نکته مهم در معنای مفهوم سرمایه مورد نظر بوردیو باید در نظر گرفته شود؛ به عبارت دیگر، تنوع انواع سرمایه و پویایی های آن را می توان به چند جنبه مهم موجود در مفهوم سرمایه تحلیل کرد. «بوردیو با تئوریزه کردن سرمایه در اشکال گوناگون آن، بر سه نکته تأکید می کند: الف) چیزهای خوبی که مردم در جست و جوی آن ها هستند و امکانات و منابعی که قصد انباشتشان را دارند بسیار گوناگون اند. ب) همه این موارد لزوماً اجتماعی اند؛ زیرا معنایشان را از روابط اجتماعی می گیرند که سازنده عرصه های مختلفند، نه از چیزهایی مادی که به خودی خود ارزشمند باشند. ج) تلاش و نزاع برای (به دست آوردن) انواع سرمایه، بخشی از این قضیه است؛ زیرا تلاش و نزاع برای باز تولید سرمایه هم به همان اندازه مهم است و اغلب مبتنی بر شیوه هایی است که می توان از طریق آن ها سرمایه را در عرصه های مختلف به شکل های دیگری تبدیل کرد» (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۸، ص. ۳۲۰). مسأله و جریان تبدیل انواع سرمایه و ارتباط آن با باز تولید اجتماعی در مباحث بعدی مورد بررسی قرار گرفته است.

حجم و ترکیب^۱ انواع سرمایه

طرح انواع سرمایه در دیدگاه بوردیو، نباید چنین فرضی را تداعی کند که سه نوع سرمایه مورد نظر او از یکدیگر جدا و مستقل هستند. بوردیو هر چند در مباحث خود تأکید بیشتری بر برخی از انواع سرمایه به عنوان نمونه سرمایه فرهنگی دارد؛ اما پیوند میان انواع سرمایه ها را در قالب حجم و ترکیب آن ها مورد بحث و نظر قرار می دهد. «از نظر بوردیو سرمایه به دو صورت به فضای اجتماعی نظم می بخشد. اساسی ترین مورد، حجم سرمایه هست که موقعیت اجتماعی برخوردار از انواع سرمایه و اقسام سرمایه و کنش های مرتبط با آن را از موقعیت های دیگر جدا می کند. از نظر بوردیو این تقابل بین بالا و پایین و برای اکثر جامعه واضح است. شکلی که انرژی زیادی طلب می کند، ترکیب سرمایه است. ترکیب سرمایه، عاملی است که موقعیت هایی که از یک جنبه؛ مثلاً در سرمایه فرهنگی والا هستند، را از موقعیت هایی که در بُعدی دیگر؛

مثلاً در بُعد سرمایه اقتصادی غنی هستند، جدا می‌کند. آن دسته از موقعیت‌هایی که حجم نسبتاً والایی دارند، بیشترین تلاش را برای حفظ این تقابل انجام می‌دهند» (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۸، ص. ۳۲۱). این تقابل بر سر دستیابی به سرمایه، در دیدگاه بوردیو مبنای بحث نابرابری، طبقات اجتماعی، قدرت و بازتولید اجتماعی است.

راب استونز معتقد است که از نظر بوردیو بیشترین تقابل میان طبقات، تداخل میان سرمایه فرهنگی و اقتصادی است. توزیع این دو سرمایه مشخص‌کننده و معرف جریان‌های مخالفی است که خطوط اصلی شکاف و تضاد را در جوامع پیشرفته دامن زده و بازتولید می‌کنند. این تقسیم‌بندی بر مبنای شکل عمودی (حجم سرمایه که طبقه فرادست را در مقابل طبقه فرودست قرار می‌دهد) و شکل افقی (مربوط به توزیع و ترکیب سرمایه است که در بین خود هر طبقه، به خصوص طبقه مرفه تنش ایجاد می‌کند) انواع سرمایه شکل‌بندی می‌شود. «در بین طبقه فرادست این تقابل بین کسانی است که سرمایه اقتصادی زیاد؛ اما سرمایه فرهنگی کمی دارند؛ مانند صاحبان و مدیران بخش‌های اقتصادی که فرادستان طبقه فرادست را تشکیل می‌دهند و آن‌هایی که سرمایه‌شان عمدتاً فرهنگی است؛ مانند روشن‌فکران و هنرمندان که فرودستان طبقه فرادست را تشکیل می‌دهند، بروز می‌کند» (استونز، ۱۳۸۵، صص. ۳۴۰-۳۳۹). در این جریان تمام افراد و خانواده‌ها در تلاشند که این‌گونه سرمایه‌ها را برای حفظ و سلطه سلسله‌مراتب خود بر دیگران به یک‌دیگر تبدیل کنند.

جایگاه سرمایه فرهنگی در تبیین طبقه اجتماعی

به طور کلی، بوردیو سعی کرده که در تمامی مباحث خود در مورد نابرابری و طبقه اجتماعی، عنصر محوری خود؛ یعنی سرمایه فرهنگی را حفظ کند. به عنوان نمونه، جان فیلد (۱۳۸۶) معتقد است که تمام مفاهیم او اعم از سرمایه اقتصادی، اجتماعی و غیره، همگی تحت الشعاع مفهوم سرمایه فرهنگی موردنظر اوست. وی همچنین، بیان می‌کند که بوردیو خیلی آرام به مفهوم سرمایه اجتماعی دست پیدا کرد و در اصل، در مراحل مطالعاتی خود ابتدا به مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک جزء فرعی و یا حتی یکی از ابعاد سرمایه فرهنگی

نگاه می‌کرد و همیشه این مفهوم را در ابعاد علمی و هنجاری آن مورد توجه قرار داد، بدون این‌که زیرساخت‌های نظری آن را مورد بازنگری قرار دهد.

بخش عمده‌ای دیگر از تأکید بوردیو بر سرمایه فرهنگی، طرح همین مفهوم در قالب سبک زندگی و ارتباط آن با هویت‌ها و تشکل‌های اجتماعی است که مهم‌ترین نمود این هویت‌های مشترک را می‌توان مفهوم طبقه اجتماعی دانست. در این رابطه، بوردیو نیز طبقه اجتماعی را در رابطه با میزان برخورداری افراد از انواع سرمایه، به‌خصوص سرمایه فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد بر این اساس، سرمایه فرهنگی در دیدگاه بوردیو به‌عنوان پل پیونددهنده هویت و تشکل‌های هویتی اجتماعی است. همچنان‌که قبلاً بیان شد، ابازری و چاوشیان (۱۳۸۱) مفهوم سبک زندگی را جای‌گزینی بهتر برای سنجش طبقه در نظر می‌گیرند، این در حالی است که بخش عمده‌ای از شاخص‌های سبک زندگی به مصرف کالاهایی اشاره دارد که بخش عمده آن‌ها کالاها و دارایی‌های فرهنگی است که به نوبه خود از شاخص‌های عمده سنجش سرمایه فرهنگی به شمار می‌روند. بر اساس رویکرد پژوهش، مفهوم سرمایه فرهنگی پل مفهومی ارتباط سبک زندگی با طبقه اجتماعی است. بنابراین، اهمیت توجه به سرمایه فرهنگی و ورود آن جهت بازشناسی طبقه اجتماعی هر روز در حال افزایش است. «ثروت، تحصیلات و منزلت شغلی با هم خمیرمایه عینی طبقه اجتماعی هستند. این عناصر عینی، طبقه اجتماعی را الگومند می‌کنند و زندگی مادی افراد متعلق به طبقه بالا یا فرودست را متمایز می‌سازند؛ یعنی زندگی در همسایگی‌های مختلف، تعلق به کلوب اجتماعی خاص، تمایل به نهادهای آموزشی متفاوت، خوردن متفاوت انواع غذاها، علاقه به اشکال خاصی از فعالیت‌های فراغتی و پوشیدن لباس خاص» (کرواس، پیف و داچر، ۲۰۱۱، ص. ۲۴۶).

موارد مطرح‌شده فوق، امروزه به‌عنوان الگوهای سبک زندگی شناخته شده که با سرمایه فرهنگی و الگوهای فعالیت‌های فراغتی افراد در پیوند بوده و خمیرمایه بعد ذهنی طبقه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، ضروری است که در رتبه‌بندی طبقه اجتماعی فرد معیارها و ملاک‌های ذهنی را نیز لحاظ داشت. از سوی دیگر، تبیین متفاوت بوردیو از اجزای طبقه،

به خصوص تأکید او بر سرمایه فرهنگی و به طور کلی، فرهنگ، نقطه عطفی در ادبیات و متون قشربندی و طبقه اجتماعی است. این دیدگاه کمتر تعیین گرایانه را می توان در کار بوردیو مشاهده کرد که از نظر او «طبقه هر نوع گروه بندی است از افرادی که شرایط یا جایگاه مشابهی از لحاظ معیشت^۱، گرایش ها^۲ و خلق و خو یا تمایلات^۳ دارند» (نزیبت^۴، ۲۰۰۶، ص. ۱۷۴).

به طور کلی، بوردیو سه اصل و مبنای اساسی را در جامعه شناسی قشربندی و بحث طبقه اجتماعی مطرح می کند که بهتر از سایر دیدگاه ها بر پیوند و رابطه فرهنگ و طبقه تأکید کرده است:

• طبقات متعدد و بخش های مختلفی در هر طبقه وجود دارند که نشان گر ترکیب های متفاوتی از سرمایه اقتصادی و فرهنگی است.

• موقعیت اقتصادی تا حد زیادی تعیین کننده طبقه اجتماعی است، در حالی که سرمایه فرهنگی که تا حدودی توسط سرمایه اقتصادی تعیین می شود، اجزای طبقه یا قشر را به وجود می آورد. به عنوان نمونه، سرمایه فرهنگی صاحبان کسب و کار و اهل فکر با یک دیگر متفاوت است و بنابراین، تفاوت درون طبقاتی ایجاد می کند.

• اگرچه طبقات و قشرهای گوناگون مبنای سبک های فرهنگی مختلف اند؛ اما در هر قشری الگوهای فرهنگی کم و بیش هم شکل اند. این هم شکلی را می توان در ذائقه های مشابه آنها پیدا کرد.

علاوه بر دخالت عنصر فرهنگ در بازشناسی مفهوم طبقه در ادبیات بوردیو، باید به مؤلفه مهم دیگر او در بازشناسی مفهوم طبقه نیز توجه کرد؛ به عبارت دیگر، تعریف و تفسیری که بوردیو از طبقه دارد، به نوعی در تقابل با نظر مارکس است؛ چراکه بوردیو طبقه را یک فضای بالقوه اجتماعی در نظر می گیرد و نیز تعریف او از طبقه با توزیع انواع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد نظر او هم خوانی دارد. بوردیو معتقد است «طبقات اجتماعی وجود ندارند (حتی اگر فعالیت سیاسی ملهم از تئوری مارکس توانسته باشد در بعضی موارد حداقل

1 Existence

2 Tendencies

3 Disposition

4 Nesbit, T

از رهگذر میل به تحرک و تغییر، چنین طبقاتی را به وجود آورده باشد). آنچه وجود دارد یک فضای اجتماعی است، یک فضای تفاوت‌ها که در آن طبقات به گونه‌ای بالقوه وجود دارند، به صورت نقطه‌چین نه به صورت یک داده؛ بلکه به عنوان چیزی که قرار است انجام داده شود. از طرف دیگر، جایگاه اشغال‌شده در فضای اجتماعی؛ یعنی ساختار توزیع انواع مختلف سرمایه، تعیین‌کننده احوالات این فضا و موضع‌گیری در منازعات برای حفظ یا تغییر آن است» (بورديو، ۱۳۸۹، ص. ۴۴-۴۳). در واقع، بورديو مفهوم فضا را برای توصیف خطوط فرضی طبقات در نظر گرفته و به کار می‌برد. مفهوم دیگر این گفته این است که مفهوم فضا متضمن فهم جهان اجتماعی در قالب روابط است و نه مکان یا خطوط ثابت. بر این اساس، مفهوم فضا در نظریه‌های بورديو را باید در ارتباط با فضای روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) و در پیوند با توزیع سرمایه‌ها در بین طبقات فرضی اجتماعی و توزیع سرمایه را نیز با مفاهیم زمینه و عادت‌واره، مورد بررسی قرار داد. مفهوم فضا و ارتباط آن با طبقه اجتماعی از طرف دیگر، با تعاریف جدید و برداشت‌های اخیر از طبقه با مفهوم گروه‌های هویتی نیز در پیوند است.

۳. روش تحقیق

پاسخ به اهداف و سوال‌های پژوهش، با استفاده از روش پیمایش و پرسش‌نامه محقق‌ساخته صورت گرفته و تعداد ۳۸۳ نفر از سرپرستان خانوار شهر اصفهان با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران به دست آمد و در نهایت، با توجه به مشکلات عمده در جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش، تعداد ۳۳۴ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفتند. جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است؛ به این صورت که ابتدا با استفاده از معیار توسعه‌یافتگی مناطق ۱۴ گانه اصفهان در چهار خوشه (هادی‌زاده، هاشمی و مسعود، ۱۳۹۲) تعدادی از مناطق شهر اصفهان انتخاب شدند. منطق حاکم بر این انتخاب، یافتن شاخصی بود که بتواند توسعه‌یافتگی مسکن را به عنوان شاخصی از توزیع طبقات اجتماعی در شهر توجیه کند. مراحل نمونه‌گیری پژوهش در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲- خوشه‌های مناطق شهری اصفهان: جدول نهایی نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی هر منطقه و

سهم اختصاص یافته به هر خوشه متناسب با حجم خانوار در هر خوشه

مناطق شهری ^۱	خوشه‌بندی مناطق از لحاظ توسعه‌یافتگی مسکن ^۲	منطقه انتخاب شده با گزینش تصادفی	تعداد خانوار	درصد خانوار در هر منطقه	حجم اختصاص داده شده پرسش‌نامه به هر منطقه	حجم اختصاص داده شده پرسش‌نامه به هر خوشه
اصفهان ۱	خوشه ۱	*	۲۵۷۹۰	۴/۸۳	۱۸	۵۹
			۱۹۶۳۱	۳/۶۷	۱۴	
		*	۳۶۰۴۹	۶/۷۵	۲۶	
اصفهان ۲	خوشه ۲		۳۸۰۴۷	۷/۱۲	۲۷	۱۱۸
		*	۴۸۳۷۴	۹/۰۵	۳۵	
		*	۳۴۴۸۶	۶/۴۵	۲۵	
			۴۳۸۴۱	۸/۲۱	۳۱	
اصفهان ۳	خوشه ۳		۷۱۰۶۰	۱۳/۳۰	۵۱	۱۲۳
			۲۲۵۷۳	۴/۲۳	۱۶	
		*	۶۱۹۴۳	۱۱/۵۹	۴۴	
		*	۱۷۰۰۵	۳/۱۸	۱۲	
اصفهان ۴	خوشه ۴	*	۳۴۹۲۶	۶/۵۴	۲۵	۸۳
			۳۵۶۹۶	۶/۶۸	۲۶	
		*	۴۴۸۳۵	۸/۳۹	۳۲	
شهر اصفهان			۵۳۴۲۵۶			۳۸۳ پرسش‌نامه (n)

(اعتبار و پایایی) متغیرهای تحقیق

پس از استخراج ابعاد و مؤلفه‌های نظری مفاهیم پژوهش، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به‌عنوان یکی از روش‌های اعتبار سازه، مؤلفه‌ها و گویه‌های اصلی سنجش مفاهیم در جداول جداگانه تعریف عملیاتی نهایی شده‌اند (جداول ۳-۵).

۱ بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ استانداری اصفهان

۲ بر اساس مطالعه (هادی زاده، هاشمی و مسعود، ۱۳۹۲) سنجش توسعه‌یافتگی مناطق ۱۴ گانه شهر اصفهان

جدول ۳- تحلیل عاملی متغیر سرمایه اقتصادی

KMO and Bartlett's Test	درصد واریانس کل تبیین شده	درصد واریانس تبیین شده عامل	بار عاملی	گویه ها	ابعاد متغیر نام گذاری مفهومی	متغیر وابسته
Kaiser-Meyer-Olkin Measure ۰/۸۶۲	۵۰/۸۴۹%	۲۷/۹۵۲%	۰/۸۸۷	متراز منزل	دارایی مصرفی	سرمایه اقتصادی
			۰/۸۵۶	زیربنای منزل		
			۰/۶۸۶	قیمت منزل		
Bartlett's Test of Sphericity ۹۲۱/۲۵۳	۵۰/۸۴۹%	۱۲/۳۹۹%	۰/۳۰۰	نوع منزل	وجهه و منزلت	
			۰/۶۱۵	ساختار منزل		
			۰/۸۸۵	درآمد		
Df:66	۵۰/۸۴۹%	۱۲/۳۹۹%	۰/۵۶۹	شغل	دارایی مولد	
			۰/۸۳۲	تحصیلات		
			۰/۵۷۴	قیمت وسیله نقلیه		
۰/۰۰۰ Sig:	۵۰/۸۴۹%	۱۰/۴۰۵%	۰/۳۵۲	فروشگاه یا دفتر	دارایی مولد	
			۰/۸۷۵	کارخانه		
			۰/۸۶۴	سهام		

جدول ۴- تحلیل عاملی متغیر سرمایه اجتماعی

KMO and Bartlett's Test	درصد واریانس کل تبیین شده	درصد واریانس تبیین شده عامل	بار عاملی	گویه ها	ابعاد متغیر نام گذاری مفهومی	متغیر وابسته
Kaiser-Meyer-Olkin Measure 0/866	۴۹/۵۲۳%	۳۷/۴۷۶%	۰/۶۹۶	داشتن آشنایان در میان کارمندان و مدیران و...	منافع سطح فردی	سرمایه اجتماعی
			۰/۸۸۲	داشتن آشنایان در میان قضات و وکلا و غیره		
			۰/۸۲۰	داشتن آشنایان در میان شهرداری ها و غیره		
Bartlett's Test of Sphericity 1071/403	۴۹/۵۲۳%	۳۷/۴۷۶%	۰/۸۳۱	داشتن آشنایان در میان احزاب سیاسی و غیره	منافع سطح جمعی	
			۰/۸۲۶	داشتن آشنایان در آموزش و پرورش و غیره		
			۰/۵۸۱	داشتن آشنایان در میان پزشکان و کارکنان پزشکی و غیره		
Df:55	۴۹/۵۲۳%	۱۱/۰۴۷%	۰/۴۹۳	آشنایی جهت گرفتن وام و داشتن ضامن و غیره	منافع سطح جمعی	
			۰/۷۰۴	سابقه عضویت در احزاب		
Sig 0/000	۴۹/۵۲۳%	۱۱/۰۴۷%	۰/۶۰۶	سابقه عضویت در انجمن های صنفی	منافع سطح جمعی	
			۰/۶۹۶	عضویت صندوق های قرض الحسنه فامیلی		
			۰/۳۷۲	استفاده از مزایای شغلی مانند وام		

جدول ۵- تحلیل عاملی متغیر سرمایه فرهنگی

متغیر وابسته	ابعاد متغیر نام گذاری مفهومی	گویه ها	بار عاملی	درصد واریانس تبیین شده عامل	درصد واریانس کل تبیین شده	KMO and Bartlett's Test
سرمایه فرهنگی	فعالیت های علمی و فرهنگی	آشنایی با دانشمندان و بزرگان علم مالکیت کتاب و کتابخانه شخصی مالکیت منابع کمک آموزشی بازدید از نمایشگاه های هنری و فرهنگی بازدید از موزه ها عادات مطالعه منظم در منزل پی گیری خیرهای فرهنگی و هنری استفاده از کتابخانه	۰/۵۵۲ ۰/۷۴۰ ۰/۶۰۹ ۰/۵۱۴ ۰/۵۰۰ ۰/۷۱۶ ۰/۵۵۷ ۰/۶۵۶	۲۹/۵۵۶٪	۴۹/۰۱۴٪	3869-4Kaiser-Meyer-Olkin Measure:0/866 Bartlett's Test of Sphericity 3869-411 Df:406 Sig.:0/000
	فعالیت های هنری و ذوقی	مهارت های هنری آشنایی با شاعران شناخت هنرپیشه ها و هنرمندان شناخت فیلم ها و سریال ها شناخت خواننده ها و نوازنده ها شناخت سازهای موسیقی	۰/۴۲۰ ۰/۵۱۶ ۰/۸۱۶ ۰/۷۸۳ ۰/۷۷۸ ۰/۶۱۰	۷/۴۶۴٪		
	مالکیت فرهنگی	مالکیت تابلو نقاشی مالکیت مجموعه های فرهنگی مالکیت آلات موسیقی مالکیت منابع آموزشی و کمک آموزشی رفتن به سینما و تئاتر شرکت در کنسرت موسیقی و...	۰/۶۵۲ ۰/۶۴۶ ۰/۵۸۱ ۰/۷۵۹ ۰/۵۰۴ ۰/۵۱۳	۶/۲۸٪		
	مهارت ها و مدارک فرهنگی	مهارت در زبان مهارت در کامپیوتر داشتن مدرک معتبر زبان داشتن مدرک فنی و حرفه ای مدرک معتبر هنری مدارک معتبر کامپیوتر و نرم افزار و...	۰/۵۱۹ ۰/۵۵۱ ۰/۴۹۵ ۰/۵۵۶ ۰/۴۲۰ ۰/۷۶۱	۵/۷۱۶٪		

همان طور که جداول (۳ تا ۵) نشان می دهد متغیرهای سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با تغییراتی چند از مدل نظری با نام گذاری مفهومی، مشخص شده اند. در این مورد، نتایج شاخص کفایت نمونه گیری کایزر- مایر- اولکین نشان می دهد که واریانس های متغیرهای پژوهش تحت تأثیر

همان‌طور که داده‌های جدول (۶) نشان می‌دهد، در جهت ارایه یک طبقه‌بندی جامع از رتبه‌بندی شغلی در ایران، پژوهش حاضر از رتبه‌بندی شغلی چاوشیان و ستوده، (۱۳۸۵) که در بین خانوارهای شهر رشت با استفاده از مجموعه‌های فازی در یک ماتریس ۹۲ در ۵ انجام پذیرفته، استفاده کرده است. در این دسته‌بندی ماتریسی، هر شغل در عوض اشغال تنها یک جایگاه در طیف «عالی تا خیلی پایین» تا حدی به همه این جایگاه‌ها تعلق داشته و در ارتباط با مشاغل دیگر رتبه‌بندی شده‌اند. به این ترتیب، این اشکال اساسی در متدهای تحلیل خوشه‌ای، که در آن‌ها تغییر در متد و تعداد مشاغل منجر به دسته‌بندی‌های متفاوتی می‌شود، تا حد زیادی در این پژوهش برطرف شده و در واقع، بازنمایی بهتری از واقعیت ممکن ارایه شده است. در رتبه‌بندی جدید پژوهش، تمامی مشاغل از پایین تا بالا رتبه‌بندی شده‌اند. بر این اساس، پایین‌ترین نمره شغلی مربوط به رفتگر (نمره ۱ ضربدر ۱)؛ یعنی نمره ۱ و بالاترین نمره شغلی (نمره ۹۲ ضربدر ۵)؛ یعنی نمره ۴۶۰ متعلق به پزشک متخصص است. به این ترتیب، نمره و رتبه نهایی شغلی هر سرپرست خانوار از طریق این جدول مورد محاسبه قرار گرفته است. به منظور سنجش پایایی ابزار پژوهش نیز، مطابق با روند مرسوم در پژوهش‌های اجتماعی، از ضریب آلفای کرونباخ در جهت سنجش همبستگی درونی گویه‌ها استفاده شده که نتایج آن در جدول (۷) نشان داده شده است.

جدول ۷- آزمون پایایی ابزار (آلفای کرونباخ) متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	تعداد (n)	ضریب آلفای کرونباخ Cronbach's Alpha
سرمایه اقتصادی	۱۲	۳۰	۰/۷۰۱
سرمایه اجتماعی	۱۱	۳۰	۰/۷۱۶
سرمایه فرهنگی	۲۶	۳۰	۰/۸۸۸

با توجه به داده‌های جدول (۷) تمامی ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها بالاتر از ۷۰ درصد بوده که نشان از پایایی مناسب ابزار سنجش دارد؛ به عبارت دیگر، گویه‌های سنجش مفاهیم پژوهش از همبستگی درونی برای سنجش مفهوم موردنظر برخوردارند.

۴. یافته‌های تحقیق

سنجش طبقه اجتماعی افراد در جامعه پژوهش از طریق جمع نمرات سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به دست آمده و در نهایت، نتایج آن به صورت جداول (۸ و ۹) ارائه شده است.

جدول ۸- توزیع فراوانی آماره‌های مربوط به طبقه اجتماعی پاسخ‌گویان

طبقه اجتماعی									
تعداد	بدون پاسخ	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	جولگی	دامنه نمرات	حداقل نمره	حداکثر نمره
۳۱۴	۲۰	۱۰۰/۲۴	۹۸/۵۰	۹۹	۲۲/۰۸۷	۰/۵۲۲	۱۲۲	۵۵	۱۷۷

جدول ۹- توزیع فراوانی رتبه‌بندی طبقه اجتماعی سرپرستان خانوار

طبقه اجتماعی	دامنه نمرات	فراوانی	درصد معتبر
پایین پایین	۵۵-۷۹	۵۰	۱۵/۹
پایین	۸۰-۱۰۴	۱۴۸	۴۷/۱
متوسط	۱۰۵-۱۲۹	۸۰	۲۵/۵
بالا	۱۳۰-۱۵۴	۳۲	۱۰/۲
خیلی بالا	۱۵۵-۱۷۷	۴	۱/۳
جمع		۳۱۴	۱۰۰/۰

داده‌های جداول (۸ و ۹) وضعیت طبقه اجتماعی و رتبه‌بندی آن‌ها در جامعه پژوهش را نشان می‌دهند. چولگی مثبت در بین آماره‌های طبقه اجتماعی نشان می‌دهد که بیشتر سرپرستان خانوار در طبقه اجتماعی متوسط و رو به پایین قرار دارند (حدود ۸۵ درصد). تنها حدود ۱۲ درصد سرپرستان خانوار دارای طبقه اجتماعی بالا و خیلی بالا هستند. در میان درصدهای مربوط به نوع طبقه اجتماعی نیز، طبقه پایین با ۴۷ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و پس از آن طبقه متوسط قرار دارد.

مدل جدید رتبه‌بندی طبقات اجتماعی با تعیین توزیع نسبی انواع سرمایه‌ها

از جمله اهداف مهم و اصلی پژوهش، ارائه یک مدل جدید سنجش طبقه اجتماعی فراتر از سنجش سنتی آن است. همان‌طوری که در مباحث نظری و پیشینه پژوهش بیان شد، مطالعات

انجام شده پیرامون سنجش طبقه و پایگاه اجتماعی در ایران بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی و شاخص‌های سنتی سنجش طبقه (درآمد، شغل و تحصیلات) تأکید کرده‌اند. پژوهش حاضر در عین حال که این شاخص‌ها را مردود نمی‌داند؛ اما آن‌ها را کافی نمی‌داند. براساس مطالعات نظری بررسی نقش انواع سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در کنار سرمایه اقتصادی به‌عنوان مؤلفه‌های سنجش طبقه اجتماعی در جامعه پژوهش، به‌عنوان یک الگوی پیشنهادی برای مطالعات بعدی در ایران پیشنهاد شده است. جدول (۱۰) میانگین‌های مؤلفه‌های سنجش طبقه اجتماعی را با توجه به میانگین کل هر مؤلفه در بین طبقات اجتماعی نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- مدل سنجش طبقه اجتماعی (الگوی پیشنهادی)

طبقه اجتماعی	ابعاد سرمایه	نمره میانگین هر مؤلفه	میانگین کل هر مؤلفه	مقایسه نمرات سرمایه
بسیار پایین ^۱	سرمایه اقتصادی	۳۳/۷۴	۳۰/۵۵	سرمایه اقتصادی پایین‌تر از میانگین
	سرمایه اجتماعی	۱۳/۵۰	۱۸/۳۹	سرمایه اجتماعی پایین‌تر از میانگین
	سرمایه فرهنگی	۳۳/۴۶	۵۱/۲۹	سرمایه فرهنگی بسیار پایین‌تر از میانگین
پایین ^۲	سرمایه اقتصادی	۲۹/۰۴	۳۰/۵۵	سرمایه اقتصادی کمی پایین‌تر از میانگین
	سرمایه اجتماعی	۱۶/۶۴	۱۸/۳۹	سرمایه اجتماعی کمی پایین‌تر از میانگین
	سرمایه فرهنگی	۴۶/۰۵	۵۱/۲۹	سرمایه فرهنگی پایین‌تر از میانگین
متوسط ^۳	سرمایه اقتصادی	۳۴/۳۳	۳۰/۵۵	سرمایه اقتصادی بالاتر از میانگین
	سرمایه اجتماعی	۱۹/۹۷	۱۸/۳۹	سرمایه اجتماعی کمی بالاتر از میانگین
	سرمایه فرهنگی	۶۱/۶۰	۵۱/۲۹	سرمایه فرهنگی بالاتر از میانگین
بالا ^۴	سرمایه اقتصادی	۳۷/۸۱	۳۰/۵۵	سرمایه اقتصادی بسیار بالاتر از میانگین
	سرمایه اجتماعی	۲۸/۶۵	۱۸/۳۹	سرمایه اجتماعی بسیار بالاتر از میانگین
	سرمایه فرهنگی	۷۲/۴۰	۵۱/۲۹	سرمایه فرهنگی بسیار بالاتر از میانگین
بسیار بالا ^۵	سرمایه اقتصادی	۳۸/۰۰	۳۰/۵۵	سرمایه اقتصادی بسیار بسیار بالاتر از میانگین
	سرمایه اجتماعی	۳۱/۰۰	۱۸/۳۹	سرمایه اجتماعی بسیار بسیار بالاتر از میانگین
	سرمایه فرهنگی	۹۳/۰۰	۵۱/۲۹	سرمایه فرهنگی بسیار بسیار بالا (والا)

1 Lower class

2 Low class

3 Middle class

4 High class

5 Top class

با توجه به داده‌های جدول (۱۰) ملاحظه می‌شود که میانگین نمرات مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مقایسه آن با نمره میانگین کل مؤلفه‌ها برای تمامی طبقات اجتماعی محاسبه شده است:

- در طبقه اجتماعی پایین پایین، هر سه مؤلفه سرمایه اقتصادی، اجتماعی، نمره پایین‌تر از میانگین و در مؤلفه سرمایه فرهنگی، نمره بسیار پایین‌تر از میانگین دارند. فقر سرمایه فرهنگی در این طبقه مشهود است.

- در طبقه اجتماعی پایین، وضعیت نمره سرمایه اقتصادی و اجتماعی کمی پایین‌تر از میانگین و نمره سرمایه فرهنگی پایین‌تر از میانگین بوده که باز نشان از پایین بودن نمره سرمایه فرهنگی در این طبقه است، هرچند که وضعیت بسیار بهتری نسبت به طبقه پایین پایین در این طبقه وجود دارد.

- در بین طبقه متوسط، نمرات سرمایه اقتصادی و فرهنگی بالاتر از میانگین بوده؛ اما نمره سرمایه اجتماعی، وضعیتی پایین‌تر از دو مؤلفه دیگر دارد. در واقع، وضعیت نمره سرمایه اجتماعی در میان تمامی طبقات مناسب نبوده و این مسأله با نتایج به‌دست‌آمده در مطالعات دیگر، مبنی بر پایین بودن سرمایه اجتماعی در ایران هم‌خوانی دارد.

- در طبقه اجتماعی بالا، هر چند که بهبود نسبتاً چشم‌گیری در نمرات هر سه مؤلفه دیده می‌شود؛ اما وضعیت نامناسب نمره سرمایه اجتماعی نیز وجود داشته و وضعیت آن نسبت به نمرات دو نوع سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی پایین‌تر است. نکته قابل توجه در این طبقه، افزایش بسیار زیاد در نمره سرمایه فرهنگی است.

- در طبقه اجتماعی بالای بالا وضعیت هر سه مؤلفه در حد بسیار بسیار بالا بوده و به‌خصوص نمره سرمایه فرهنگی بسیار چشم‌گیر است. چیزی که بورديو از آن به‌عنوان سرمایه فرهنگی والا یاد می‌کند.

- نکته بسیار عمده در این جدول که یکی از عمده‌ترین سؤالات پژوهش بوده و بر آن تأکید ویژه شده است، تفاوت چشم‌گیر طبقات اجتماعی در نمره سرمایه فرهنگی است که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سنجش طبقه اجتماعی در ایران و در این پژوهش مورد تأکید

قرار گرفته است. بر این اساس، امروزه سرمایه فرهنگی همان طور که بورديو تأكيد کرده است، می تواند به عنوان خصلت شاخص و تأثیرگذار در سنجش طبقات و تمایز اجتماعی مطرح شده و عنصر اصلی مکانیسم بازتولید فرهنگی هم در جامعه و در بین طبقات اجتماعی باشد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

بررسی طبقه و نظام قشر بندی و مکانیسم های ایجاد، بقاء و تحولات آن از دیرباز تا کنون، مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده و پژوهش های چندی توسط متفکران برجسته در این حوزه انجام پذیرفته است. در اندیشه های کلاسیک جامعه شناسی مفهوم طبقه با مارکس شروع شده و سپس توسط ماکس وبر به سمت وسوی سنجش دقیق تر و کاربردی تر حرکت کرده و در نهایت، مکانیسم های بازتولید آن با تأکید بر مفاهیم انواع سرمایه و به خصوص سرمایه به عنوان یکی از کاربردی ترین تبیین های معاصر، توسط پیربورديو مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

از سوی دیگر، با توجه به تحولاتی که در جوامع امروزی رخ داده، به نظر می رسد که برخی از سنجش های مرسوم طبقه یا پایگاه اقتصادی- اجتماعی قدیمی، پاسخ گوی تحولات ایجاد شده نبوده و نیاز به مطالعات جدید در این حوزه احساس می شود. بررسی پژوهش های صورت گرفته در ایران نیز در خصوص سنجش طبقه اجتماعی بیشتر بر سنجش سنتی آن متکی بوده و بیشتر بر جنبه های اقتصادی و شاخص های سنتی سنجش طبقه؛ یعنی (درآمد، شغل و تحصیلات) و سرمایه اقتصادی تأکید کرده اند. در پژوهش حاضر، مفاهیم سرمایه اجتماعی و فرهنگی به عنوان دو مؤلفه عمده و سازنده طبقه اجتماعی در کنار مؤلفه سرمایه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. همان طوری که در مباحث نظری و پیشینه پژوهش بیان شده، پژوهش حاضر، در عین حال که این شاخص ها را مردود نمی داند؛ اما آن ها را نیز کافی نمی داند.

بر این اساس و با تأکید بر مطالعات نظری، بررسی نقش انواع سرمایه های اجتماعی و فرهنگی در کنار سرمایه اقتصادی به عنوان مؤلفه های سنجش طبقه اجتماعی در جامعه پژوهش،

به‌عنوان یک الگوی پیشنهادی برای مطالعات بعدی در ایران مورد بررسی قرار گرفت. این سنجش جدید طبقه- منزلت که با استفاده از ترکیب سه مؤلفه مورد نظر صورت گرفته، پنج طبقه کلی را برای سنجش طبقه اجتماعی به صورت طبقه بسیار پایین، پایین، متوسط، بالا و بسیار بالا ارائه داده است. بر این اساس، در طبقه اجتماعی بسیار پایین، هر سه مؤلفه سرمایه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نمره پایین‌تر از میانگین داشته و به‌خصوص فقر سرمایه فرهنگی در این طبقه کاملاً مشهود است. طبقه پایین نیز با کمی اختلاف همین الگوی اخیر را تجربه کرده و نمره سرمایه فرهنگی در این طبقه نیز همچنان ناچیز است. در بین طبقه متوسط نمرات سرمایه اقتصادی و فرهنگی بالاتر از میانگین بوده؛ اما نمره سرمایه اجتماعی وضعیتی پایین‌تر از دو مؤلفه دیگر دارد. در واقع، وضعیت نمره سرمایه اجتماعی در میان تمامی طبقات مناسب نبوده و این مسأله با نتایج به‌دست‌آمده در مطالعات دیگر، مبنی بر پایین‌بودن سرمایه اجتماعی در ایران نیز هم‌خوانی دارد. در طبقه اجتماعی بالا و بالایی (بسیار بالا) بالا هرچند که بهبود نسبتاً چشم‌گیری در نمرات هر سه مؤلفه دیده می‌شود؛ اما نکته قابل توجه در این دو طبقه، افزایش بسیار زیاد در نمره سرمایه فرهنگی است؛ به عبارت دیگر، تمایزترین مؤلفه در سنجش طبقات، سرمایه فرهنگی است که در طبقات اجتماعی پایین بسیار ناچیز و در طبقه بالا بسیار چشم‌گیر است. نقش تعیین‌کننده سرمایه فرهنگی در تمایزات طبقاتی، همان‌طوری که بوردیو مطرح کرد، یکی از عوامل تعیین‌کننده در شناخت و بازشناسی مفهوم طبقه و سنجش آن در دوران معاصر به حساب می‌آید.

کتاب‌نامه

۱. ابادری، ی. و چاوشیان، ح. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، (۲۰)، ۲۷-۳.
۲. استونز، ر. (۱۳۸۵). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. (م. میر دامادی، مترجم). چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۳. بوردیو، پ. (۱۳۸۹). نظریه کنش. (م. مردیها، مترجم). چاپ سوم. تهران: انتشارات نقش و نگار.

۴. تاجبخش، ک. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی. (ا. خاکباز و ح. پویان، مترجمان). چاپ دوم. تهران: انتشارات شیرازه.
۵. جلالی پور، ح. ر. و محمدی، ج. (۱۳۸۸). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
۶. چاوشیان، ح. و ستوده، ع. (۱۳۸۵) کاربرد مجموعه‌های فازی برای رتبه‌بندی منزلت مشاغل در شهر رشت ۱۳۸۵. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۲ (۷)، ۳۸-۷.
۷. روحانی، ح. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی. فصل‌نامه راهبرد، ۱۸ (۵۳)، ۷-۳۴.
۸. ریتزر، ج. (۱۳۸۶). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (م. ثلاثی محسن، مترجم). چاپ دوازدهم. تهران: علمی.
۹. زاهدی، م. ج. (۱۳۸۵). توسعه و نابرابری. چاپ چهارم. تهران: مازیار.
۱۰. شویره، ک. و فونتن، و. (۱۳۸۵). واژگان بوردیو. (م. کتبی، مترجم). چاپ اول. تهران: نشر نی.
۱۱. علی بابایی، ی. و باینگانی، ب. (۱۳۸۹). بررسی میزان تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (مطالعه جوانان شهرستان پاوه). فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۶ (۸۸) ۱۱۴-۱۸.
۱۲. علیخواه، ف. (۱۳۸۹). سنجش مفاهیم در پیمایش‌های اجتماعی. چاپ اول. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۳. فکوهی، ن. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
۱۴. فیلد، ج. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. (غ. غفاری و ح. رضانی، مترجمان). چاپ اول. تهران: کویر.
۱۵. قاسمی، و.، وحید، ف.، ربانی، ر. و ذاکری، ز. (۱۳۸۹). شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱ (۳۷)، ۶۸-۴۳.
۱۶. مقدس، ع. ا. و سروش، م. (۱۳۹۰). فضای اجتماعی زندگی و طبقه اجتماعی بازنمایی فعالیت‌های فراغتی زنان در شیراز. مجله بررسی مسایل اجتماعی ایران، ۲ (۵-۶)، ۶۷-۴۱.
۱۷. هادی زاده، ز.، صادق هاشمی، و. و مسعود، م. (۱۳۹۲). سنجش توسعه‌یافتگی مناطق شهری اصفهان در بخش مسکن. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۵ (۱۷)، ۸۵-۱۰۰.
18. Kraus, M. W., Piff, P. K., & Dacher, K. (2011). Social class as culture: The convergence of resources and rank in the social realm. *Current Directions in Psychological Science*, 20(4), 246–250.

19. Savage, M., Devine, F., Cunningham, N., Taylor, M., Li, Y., Jellbrekke, J., &...., Friedman, S. (2013). A new model of social class: Findings from the BBC's great British class survey experiment. *Sociology*, 47(2), 219-250.
20. Nesbit, T. (2006). What's the matter with social class? *Adult Education Quarterly*, 56(3), 171-187.